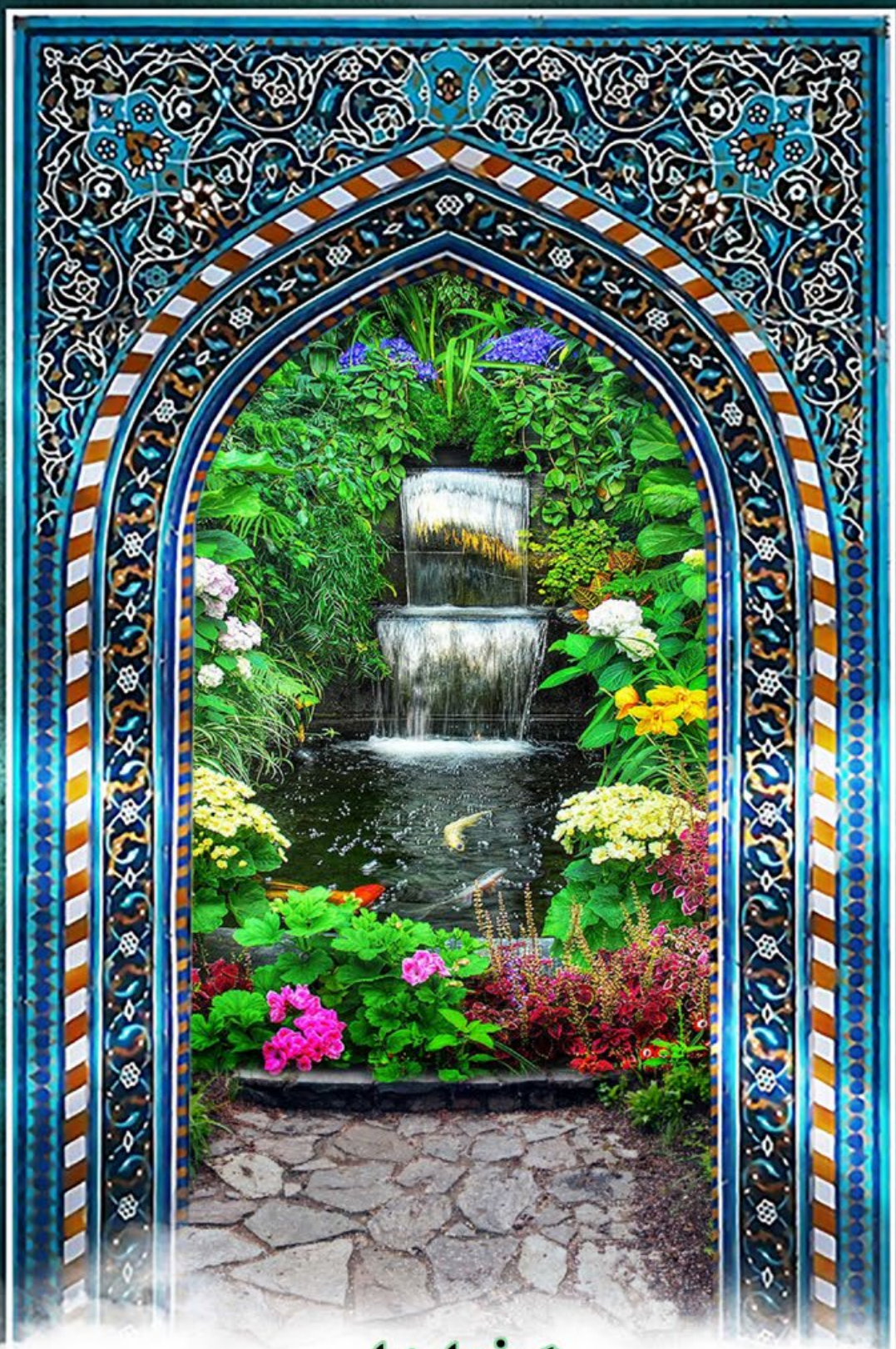




گفتارهای

مِنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ نشانه‌های ظهور مهدی و فتنه‌های آخر الزمان

بسم الله الرحمن الرحيم

نه گفتار از آن جناب درباره‌ی برخی مدّعیان دروغین و پیروان آن‌ها

۱. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ صَادِقِ الْأَصْفَهَانِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ: إِنَّ لَنَا جَارًا مِنَ الْبَابِيَّةِ وَهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ عَلِيَّ مُحَمَّدَ الْبَابِ كَانَ هُوَ الْمَهْدِيُّ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ كِتَابًا يُسَمُّوهُ «الْبَيَان»، فِيهِ كُلُّ بَلَاءٍ! فَقَالَ: لَا تُجَالِسُوهُمْ وَلَا تُنَاكِحُوهُمْ وَلَا تَأْكُلُوا مِنْ ذَبَائِحِهِمْ، فَإِنَّهُمْ لَيَسُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، ثُمَّ هَجَمَ عَلَيْهِ الْغَمُّ فَقَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ إِلَّا وَجَدَ مَنْ يَتَابِعُهُ!

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن محمد صادق اصفهانی ما را خبر داد، گفت: به منصور هاشمی خراسانی گفتم: ما همسایه‌ای از بابی‌ها داریم و آن‌ها معتقد هستند که علی محمد باب همان مهدی بود، پس خداوند بر او کتابی نازل کرد که آن را «بیان» می‌نامند، در آن هر بلایی یافت می‌شود! پس فرمود: با آن‌ها ننشینید و ازدواج نکنید و از ذبایح‌شان نخورید؛ چرا که آن‌ها از مسلمانان یا از اهل کتاب نیستند. سپس اندوه به آن جناب هجوم آورد و فرمود: هیچ بنده‌ای به سوی ضلالتی دعوت نکرد مگر اینکه کسی را یافت که از او پیروی کند!

شرح گفتار:

برای آشنایی بیشتر با این فرقه، بنگرید به: مقاله‌ی «آشنایی با مدّعیان دروغین (۲)؛ بابت و بهائیت».

۲. أَخْبَرَنَا جَعْفَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمُلتَانِي، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: عِنْدَنَا جَمَاعَةٌ يُقَالُ لَهُمُ الْقَادِيَانِيَّةُ، يَزْعُمُونَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ كَانَ أَحْمَدَ الْقَادِيَانِي، فَيَقُولُونَ لَهُ أَحْمَدُ الْمَوْعُودُ! قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا لَقِينَا مِنْ هَذِهِ

الْأَحَامِدَةُ! إِنَّ الْمَهْدِيَّ إِذَا جَاءَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجُورًا، فَهَلْ فَعَلَ هَذَا هَذَا؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَذْكُرُونَ لَهُ رَوَايَاتٍ مِنْهَا مَا يَنْطَبِقُ عَلَيْهِ! قَالَ: دَعْنَا مِنْ رَوَايَاتِكُمْ يَا جَعْفَرُ! إِنَّ رَوَايَاتِكُمْ هَذِهِ لَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ!

ترجمه‌ی گفتار:

جعفر بن ابراهیم ملتانی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: نزد ما جماعتی هستند که به آنان قادیانیه گفته می‌شود، می‌پندارند که مهدی همان احمد قادیانی بود، پس به او احمد موعود می‌گویند! فرمود: سبحان الله! ما از این احمدها چه‌ها دیدیم! هرآینه مهدی چون بیاید، زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، پس آیا این (مرد) این (کار) را انجام داد؟! گفتم: این‌ها برای او روایاتی ذکر می‌کنند که برخی بر او انطباق می‌یابد! فرمود: ما را از روایات‌تان واگذار ای جعفر! هرآینه این روایات‌تان نزد خداوند به بال پشه‌ای نمی‌ارزد!

شرح گفتار:

برای آشنایی بیشتر با این فرقه، بنگرید به: مقاله‌ی «آشنایی با مدعیان دروغین (۳)»؛ میرزا غلام احمد قادیانی».

۳. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّ رَجُلًا يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدٌ نَاصِرُ الْيَمَانِيِّ يُتَادِي فِي النَّاسِ بِأَنَّهُ الْمَهْدِيُّ، قَالَ: كَذَبَ عَدُوُّ اللَّهِ، إِنَّهُ أَضَلُّ مِنْ جَمَارِ أَهْلِهِ! ثُمَّ قَالَ: كُلُّ مَنْ نَادَى فِي النَّاسِ بِأَنَّهُ الْمَهْدِيُّ قَبْلَ وَقُوعِ الصَّيْحَةِ وَالْخُسْفِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ، قُلْتُ: وَمَا الصَّيْحَةُ وَالْخُسْفُ؟ قَالَ: صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَخُسْفٌ يَحْيِشُ مِنْ أَعْدَائِهِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، وَبِهِمَا يُعَرَفُ الْمَهْدِيُّ.

ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: مردی به نام محمد ناصر یمانی میان مردم ندا می‌دهد که او مهدی است، فرمود: دروغ می‌گوید دشمن خدا، او از الاغ خانه‌اش گمراه‌تر است! سپس فرمود: هر کس پیش از وقوع صیحه و خسف، میان مردم ندا دهد که او مهدی است، کذابی مفتری است، گفتم: صیحه و خسف کدام است؟ فرمود: بانگی از آسمان به نام او و فرو رفتن لشکری از دشمنانش در میان مکه و مدینه و مهدی با آن دو شناخته می‌شود.

۴. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الشَّيرَازِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: إِنَّ غُلَامًا خَرَجَ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ يُقَالُ لَهُ أَحْمَدُ الْحَسَنُ، يَزْعُمُ أَنَّهُ الْيَمَانِيُّ الَّذِي جَاءَتْ فِيهِ رَوَايَةٌ، فَيَقُولُ لِنَفْسِهِ الْمَهْدِيُّ، وَيَقُولُ الْمُتَّبِعِي،

وَيَقُولُ الْوَصِيُّ، وَيَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ! قَالَ: أَلَيْسَ هَذَا الَّذِي قَدْ خَرَجَ بِالْعِرَاقِ؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: هُوَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ!

ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن ابراهیم شیرازی ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: جوانی خروج کرده و به سوی خودش دعوت می‌کند که به او احمد الحسن گفته می‌شود، می‌پندارد او همان یمانی است که درباره‌اش روایتی رسیده است، پس خودش را مهدی می‌نامد و منجی می‌نامد و وصی می‌نامد و هر چیزی می‌نامد! فرمود: آیا این همان نیست که در عراق خروج کرده است؟ گفتم: بله، فرمود: او نزد خداوند بی‌اهمیت‌تر از این‌هاست!

۵. أَخْبَرَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْقَاسِمِ الطُّهْرَانِيُّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ، فَسَأَلَنِي عَنْ أَصْحَابِي بِطَهْرَانَ، فَقُلْتُ: كَانَ لِي أَصْحَابٌ مِنَ الْأَحْمَدِيَّةِ، قَالَ: وَمَا الْأَحْمَدِيَّةُ؟ قُلْتُ: أَتَبَاعُ أَحْمَدَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ! قَالَ: وَمَا كَانُوا يَقُولُونَ؟ قُلْتُ: كَانُوا يَقُولُونَ إِنَّهُ وَزِيرُ الْمَهْدِيِّ! قَالَ: كَذَبُوا أَعْدَاءُ اللَّهِ! أَمَا قُلْتُ لَهُمْ إِنَّ وَرَرَاءَ الْمَهْدِيِّ كُلَّهُمْ مِنَ الْأَعَاجِمِ، مَا فِيهِمْ عَرَبِيٌّ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَمَا عَلِمِي بِذَلِكَ؟! قَالَ: نَعَمْ، فَمَا كَانَ حُجَّتَهُمْ عَلَى قَوْلِهِمْ؟ قُلْتُ: رَوَايَةٌ يَذْكُرُونَهَا، يَزْعُمُونَ أَنَّ فِيهَا اسْمَ الرَّجُلِ! قَالَ: رَوَايَةٌ رَوَايَةٌ رَوَايَةٌ، وَهَلْ أَهْلَكَ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِلَّا رَوَايَةٌ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّهَا خَيْرُ حُجَّتِهِمْ وَغَيْرُهَا أَذْهَبُ مِنْهَا! إِنَّهُمْ يَحْتَجُّونَ عَلَى النَّاسِ بِدُخَانٍ يَزْعُمُونَ أَنَّ فِيهِ اسْمُهُ، وَبِأَحْلَامٍ يَدَّعُونَهَا! قَالَ: هَذِهِ حُجَّةُ قَوْمٍ لَا يَعْقِلُونَ، ثُمَّ قَرَأَ: ﴿أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ﴾!

ترجمه‌ی گفتار:

حسن بن قاسم طهرانی ما را خبر داد، گفت: به نزد منصور آمدم، پس از من درباره‌ی دوستانم در طهران پرسید، پس گفتم: دوستانی از احمدیه داشتم، فرمود: احمدیه کدام است؟! گفتم: پیروان احمد الحسن بصری! فرمود: چه می‌گفتند؟ گفتم: می‌گفتند که او وزیر مهدی است! فرمود: دروغ می‌گفتند دشمنان خدا! آیا به آن‌ها نگفتی که وزیران مهدی همگی غیر عرب هستند و هیچ عرب‌زبانی در میان‌شان نیست؟ گفتم: فدایت شوم، من از کجا می‌دانستم؟! فرمود: آری، حجت‌شان بر سخن‌شان چه بود؟ گفتم: روایتی را ذکر می‌کنند و می‌پندارند که نام این مرد در آن است! فرمود: روایتی روایتی روایتی، آیا این امت را جز روایتی نابود کرد؟! گفتم: فدایت شوم، این بهترین حجت‌شان است و حجت‌های دیگرشان از این هم سست‌تر است! آن‌ها بر مردم به دودی احتجاج می‌کنند که می‌پندارند نام او در آن است و به خواب‌هایی که ادعا می‌کنند! فرمود: این‌ها

حجت گروهی است که عقل را به کار نمی‌برند، سپس این آیه را تلاوت فرمود: «آیا خواب‌هاشان آنان را به این امر می‌کند یا گروهی سرکش هستند؟!».

۶. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ الْمَنْصُورِ نَتَذَاكَرُ فِيمَنْ ادَّعَى هَذَا الْأَمْرَ بِغَيْرِ حَقٍّ، فَجَرَى ذِكْرُ هَذَا الرَّجُلِ -يَعْنِي أَحْمَدَ الْحَسَنَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي كَلَّمْتُ أَتْبَاعَهُ، فَوَجَدْتُهُمْ مِنْ أَهْلِ النَّاسِ! إِنَّهُمْ يَحْتَجُّونَ عَلَى النَّاسِ بِمَنَامَاتٍ، وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ فِيهَا يَقُولُونَ: قَدْ جَاءَتْ رِوَايَةٌ بِأَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتِمَّتُ فِي صُورَةِ النَّبِيِّ وَآلِهِ! قَالَ: أَهْمُ يَعْرِفُونَ صُورَةَ النَّبِيِّ وَآلِهِ؟! قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَلَا حُجَّةَ لَهُمْ فِي هَذِهِ الرِّوَايَةِ، إِنَّمَا الْحُجَّةُ فِيهَا لِمَنْ يَعْرِفُ صُورَةَ النَّبِيِّ وَآلِهِ -يَعْنِي أَصْحَابَهُمْ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّ فِيهِمُ النِّسَاءَ وَالصِّبْيَانَ، وَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ مِثْلَ هَذِهِ الدَّقَائِقِ! قَالَ: أَلَيْسَ فِيكُمْ مَنْ رَأَى الْمَنَامَاتِ؟ قَالَ رَجُلٌ: بَلَى، إِنِّي رَأَيْتُ الْمُهْدِيَّ فِي الْمَنَامِ، فَأَمَرَنِي بِطَاعَتِكَ، وَرَأَيْتُهُ مَرَّةً أُخْرَى فَسَأَلْتُهُ عَنْ هَذَا الرَّجُلِ -يَعْنِي أَحْمَدَ الْحَسَنَ- فَكَتَبَ لِي: إِنَّهُ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ، وَحَكَى رِجَالٌ آخَرُونَ مَنَامَاتٍ مِثْلَ ذَلِكَ، فَقَالَ الْمَنْصُورُ: فَأَلْزَمُوهُمْ بِمَا أَلْزَمُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ! قُولُوا لَهُمْ: إِنْ كَانَ الْمَنَامُ حُجَّةً فَلَنَا الْحُجَّةُ عَلَيْكُمْ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ حُجَّةً فَلَا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيْنَا! ثُمَّ قَالَ: لَا تَأْخُذُوا بِالْمَنَامِ إِلَّا إِذَا كَانَ مَعَهُ آيَةٌ بَيِّنَةٌ، فَقَالَ رَجُلٌ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنِّي رَأَيْتُ فِيكَ مَنَامًا كَانَ مَعَهُ آيَةٌ بَيِّنَةٌ! أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَحْكِيهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنِّي رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَنَامِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَكَ، فَقَالَ لِي: إِنَّ الْمُهْدِيَّ سَاكِنٌ فِي بَلَدِكُمْ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ! قُلْتُ: وَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: أَنْتِ مَدِينَةُ كَذَا وَسُوقُ كَذَا وَدَارُ كَذَا! فَأَتَيْتُهُ فَوَجَدْتُهُ دَارَكَ! قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنَ الْمُهْدِيِّينَ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ الضَّالِّينَ الْمُضِلِّينَ.

ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: نزد منصور بودیم و درباره‌ی کسانی گفتگو می‌کردیم که این امر را به غیر حق ادعا کرده‌اند، پس سخن به این مرد -یعنی احمد الحسن- کشید. من گفتم: فدایت شوم، من با پیروان او گفتگو کرده‌ام، پس آن‌ها را از کم‌خردترین مردم یافتیم! آن‌ها بر مردم به خواب‌هایی احتجاج می‌کنند و چون با آن‌ها درباره‌ی آن سخن گفته می‌شود می‌گویند: روایتی رسیده است که شیطان با چهره‌ی پیامبر و خاندانش نمایان نمی‌شود! آن جناب فرمود: مگر آن‌ها چهره‌ی پیامبر و خاندانش را می‌شناسند؟! گفتم: نه، فرمود: پس برای آن‌ها در این روایت حجتی نیست، حجت در آن تنها برای کسانی است که چهره‌ی پیامبر و خاندانش را می‌شناسند -یعنی اصحاب آن‌ها! گفتم: فدایت شوم، در میان این‌ها زن‌ها و کودکان هستند



۸. أَخْبَرَنَا صَالِحُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّبَزَوَارِيُّ، قَالَ: قُلْتُ لِلْمَنْصُورِ: أَدْرَكْتُ فِي إِيرَانَ رَجُلًا يَقُولُونَ إِنَّ فَلَانًا -يَعْنِي فَلَانَهُمْ- هُوَ الْخُرَّاسَانِيُّ الَّذِي بَشَّرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! قَالَ: هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾^۱، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْخُرَّاسَانِيَّ يَدْعُو إِلَى الْمَهْدِيِّ، وَإِنَّ هَذَا يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ! قُلْتُ: أَمَا لَهُ مِنْ آيَةٍ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟ قَالَ: عُقُولُكُمْ تَضَعُفُ عَنْ هَذَا يَا صَالِحُ! إِنَّهُ إِذَا قَامَ أَظْهَرَ اللَّهُ لَهُ كَفًّا مِنَ السَّمَاءِ تُشِيرُ إِلَيْهِ فَتَقُولُ: هَذَا هَذَا! فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا النَّاسُ وَيَمْدُدُونَ إِلَيْهَا الْأَعْنَاقَ! قُلْتُ: اللَّهُ أَكْبَرُ! فَمَنْ يَشْكُ فِيهِ بَعْدَ ذَلِكَ؟ قَالَ: يَشْكُ فِيهِ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ، وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا! قُلْتُ: فَمَتَى يَقُومُ؟ قَالَ: إِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ جَيْشُ الْغَضَبِ! قُلْتُ: وَمَا جَيْشُ الْغَضَبِ؟! قَالَ: رَجَالٌ يُغَضِبُهُمْ قَوْمُهُمْ، فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ قَزَعًا كَقَزَعِ الْحَرِيفِ، مِنْ بِلَادِ شَتَّى، مَا بَيْنَ الْوَاحِدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَالثَلَاثَةِ وَالْأَرْبَعَةِ وَالْخَمْسَةِ وَالسَّتَةِ وَالسَّبْعَةِ وَالْثَمَانِيَةِ وَالْتَّسْعَةِ وَالْعَشْرَةِ! قُلْتُ: لِمَاذَا يَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ؟ قَالَ: لِمَا يَرَوْنَ عِنْدَهُ مِنَ الْعِلْمِ، فَإِنَّهُ يَعْلَمُ النَّاسَ الدِّينَ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ، فَيَنْفِي عَنْهُ تَحْرِيفَ الْعَالِينَ وَانْتِحَالَ الْمُبْطِلِينَ وَتَأْوِيلَ الْجَاهِلِينَ، عَلَى مِثَالِ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٍ! قُلْتُ: لِمَاذَا؟! قَالَ: لِأَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْعَرَبِ! قُلْتُ: ثُمَّ مَاذَا يَفْعَلُ؟ قَالَ: يَقُومُ، فَيَأْخُذُ الرَّايَةَ مِنْ قَوْمِ ظَالِمِينَ، ثُمَّ يَحْمِلُهَا فَيُسَلِّمُهَا إِلَى الْمَهْدِيِّ! قُلْتُ: كَيْفَ يَأْتِي الْمَهْدِيَّ وَهُوَ غَائِبٌ؟ قَالَ: يَكْتُبُ إِلَيْهِ الْمَهْدِيُّ أَنْ ائْتِنِي سِرًّا، فَيَأْتِيهِ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنَ النَّاسِ فَيُبَايِعُهُ، قُلْتُ: ثُمَّ مَاذَا يَفْعَلُ؟ قَالَ: ثُمَّ يَفْعَلُ مَا شَاءَ اللَّهُ! قَالَ صَالِحٌ: فَعَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُنِي عَلَى هَذَا شَيْئًا، فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَلَقِيتُ عَيْسَى بْنَ عَبْدِ الْحَمِيدِ، فَحَدَّثَنِي بِذَلِكَ فَقَالَ: مَا قَوْلُهُ إِلَّا كَقَوْلِ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ﴿قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ﴾^۲! قُلْتُ: فَتَرَى أَنَّهُ هُوَ؟! قَالَ: فَمَنْ يَعْلَمُ مِثْلَ هَذَا إِلَّا هُوَ؟!

ترجمه‌ی گفتار:

صالح بن محمد سبزواری ما را خبر داد، گفت: به منصور گفتم: در ایران کسانی را یافتم که می‌گفتند فلانی -یعنی رهبرشان- همان خراسانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او بشارت داد! فرمود: این از چیزهایی است که خداوند بلندمرتبه درباره‌اش فرموده است: «آنان را به آن علمی نیست و آنان تنها تخمین می‌زنند!». سپس فرمود: هرآینه خراسانی به سوی مهدی دعوت می‌کند و این مرد به سوی خودش دعوت می‌کند! گفتم: آیا برای خراسانی آیتی نخواهد بود فدایت شوم؟ فرمود: عقل‌های شما توان فهم این را ندارد ای صالح! هنگامی که او قیام می‌کند خداوند برای او کف دستی از آسمان نمایان می‌سازد که به او اشاره می‌کند و می‌گوید: این! این!

۱. الزخرف / ۲۰

۲. النمل / ۴۱



پس مردم به آن می‌نگرند و گردن‌هاشان را به سویش دراز می‌کنند! گفتم: الله اکبر! پس دیگر چه کسی در او شک می‌کند؟! فرمود: کسانی در او شک می‌کنند که در زمین به غیر حق بزرگی می‌جویند و اگر هر آیتی ببینند به آن ایمان نمی‌آورند! گفتم: او کی قیام خواهد کرد؟ فرمود: هنگامی که سپاه خشم به نزدش گرد آیند! گفتم: سپاه خشم کدام است؟! فرمود: مردانی که قومشان آنان را به خشم می‌آورند، پس پراکنده مانند ابرهای پاییزی، از سرزمین‌های گوناگون به نزد او گرد می‌آیند، یکی یکی و دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا و پنج تا پنج تا و شش تا شش تا و هفت تا هفت تا و هشت تا هشت تا و نه تا نه تا و ده تا ده تا! گفتم: به چه خاطر به نزد او گرد می‌آیند؟ فرمود: به خاطر علمی که نزد او می‌بینند؛ چرا که او دین را به مردم بدان سان که خداوند نازل کرده است تعلیم می‌دهد، پس تحریف غالیان و پیرایش مبطلان و تأویل جاهلان را از آن می‌زداید، با الگویی جدید که بر عرب گران است! گفتم: برای چه؟! فرمود: برای اینکه او از عرب نیست! گفتم: سپس چه کار می‌کند؟ فرمود: قیام می‌کند، پس پرچم را از قومی ستمگر می‌گیرد و آن را حمل می‌کند تا اینکه به مهدی می‌سپارد! گفتم: چگونه به نزد مهدی می‌رود، در حالی که او غایب است؟ فرمود: مهدی برای او نامه‌ای می‌نویسد که پنهانی به نزد من بیا، پس در حالی که مردم غافل هستند، به نزد او می‌رود و با او بیعت می‌کند. گفتم: سپس چه کار می‌کند؟ فرمود: سپس هر کاری که خدا بخواهد می‌کند! صالح گفت: پس دانستم که او چیزی بیشتر از این به من نخواهد فرمود، پس از نزد او بیرون آمدم و عیسی بن عبد الحمید را دیدم، پس او را از آن آگاه ساختم، پس گفت: سخن آن جناب جز مانند سخن سلیمان علیه السلام نیست که «فرمود تخت او را برایش ناشناس کنید تا ببینیم که آیا (آن را) می‌شناسد یا از کسانی است که (به شناخت آن) راه نمی‌یابند!». گفتم: تو معتقدی که او هموست؟! گفت: پس چه کسی جز همو چنین چیزی را می‌داند؟!

شرح گفتار:

برای آشنایی بیشتر با خراسانی موعود، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۶۵ و ۴۰۵.

۹. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: مَنْ خَرَجَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى عَصَبِيَّةٍ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ! قُلْتُ: وَمَا دُعَاؤُهُ إِلَى الْعَصَبِيَّةِ؟ قَالَ: دُعَاؤُهُ إِلَى سُلْطَانِ قَوْمِهِ، أَوْ سُلْطَانِ حِزْبِهِ، أَوْ سُلْطَانٍ مَذْهَبِهِ! ثُمَّ قَالَ: كُلُّ دُعَاءٍ غَيْرَ دُعَائِي هَذَا فَهُوَ كُفْرٌ وَضَلَالٌ وَتَفْرِيقٌ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ.

ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: هر کس خروج نماید و مردم را به سوی عصبیتی دعوت کند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه‌ی مردمان بر اوست! گفتم:

دعوت او به سوی عصبیت چیست؟ فرمود: دعوت او به سوی حکومت قومش یا حکومت حزبش یا حکومت مذهبش! سپس فرمود: هر دعوتی جز این دعوت من (به سوی حکومت مهدی)، کفر و ضلالت و تفرقه افکنی میان مسلمانان است.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصف هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصف هاشمی خراسانی، حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه



صفحه اینستاگرام پایگاه



صفحه کانال تلگرام پایگاه



صفحه فیسبوک پایگاه



لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.